

# در عرفان شیخ نجم الدین کبری مولانا جلال الدین رومی

● دکتر محمود یزدی مطلق (فاضل)

دانشگاه فردوسی مشهد

الدین حسین خوارزمی که از معاریف عرفان سده نهم هجری است درباره نجم الدین کبری گوید: برگزیده حضرت پروردگار، بغایت عظیم الشأن و رفیع المکان بوده است و انوار ولایت و آثار هدایت او، مشارق و مغارب آفاق را متور و مزین ساخته...<sup>۷</sup> او از خانواده اهل علم بود، پدرش عالمی صوفی مشرب و اهل حال بود.

شیخ نجم الدین از همان کودکی بسیار باهوش بود و در دبستان، مشکلات و غوامض مسایلی را که از سوی استادش مطرح می شد از دیگر دانش آموزان زودتر در می یافت.<sup>۸</sup> در نوجوانی دروس ابتدایی را در زادگاهش شهر خیوه نزد پدرش شیخ ناصرالدین عمر بن محمد بن عبدالله و دیگران فرا گرفت. در جوانی شوق علم حدیث، او را به سیر و سفر داشت و بمقتضای رسم آن روزگار به مسافرت در بلاد پرداخت، در نیشابور محضر ابوالمعالی فراوی، متوفای ۵۷۸ هـ ق، را درک کرد و در همدان نزد حافظ ابوالعلاء عطار، متوفی ۵۶۹ هـ ق و در اصفهان به حوزة درس ابوالمکارم لبان، متوفی ۵۹۷ هـ ق و ابوجعفر صیدلانی، متوفی ۵۶۸ هـ ق و در تبریز خدمت ابومنصور

یک جام تجلی جمال توبس است  
تا از عدم و وجود بیزار شوم  
نجم الدین کبری

چکیده

در این مقاله به جایگاه «ولایت» و «ولی» در آراء عرفانی شیخ نجم الدین کبری و مقایسه مختصر آن با آراء مولوی در همین زمینه پرداخته می شود ولی ابتدا گزارش نسبتاً مفصل درباره مقام شیخ در میان عرفا شرح حال زندگی شجرنامه و آثار او ارائه می شود. درباره مذهب وی در دیدگاه در این مقاله ذکر شده که بر اساس یک دیدگاه او شافعی مذهب و بر اساس دیگری، که بنظر می رسد بیشتر مورد تأیید نویسندگان است، مذهب شیخ نجم الدین کبری شیعی مذهب دانسته شده و شواهدی نیز در این زمینه ارائه شده است و بقیه مقاله نیز اختصاص به بررسی، شرح و تبیین جایگاه ولایت و ولی در عرفان شیخ نجم الدین کبری دارد.

کلید واژه

ولایت؛

نجم الدین کبری؛

مولوی؛

ولی؛

سلطان الاولیاء والأقطاب، المرشد الی الله الوهاب<sup>۱</sup>، ابوالجَنَاب (به فتح جیم و نون مشدّد<sup>۲</sup> بر وزن شدّاد) احمد بن عمر بن محمد خَیَوَقی به سال ۵۴۰ هـ ق در خیوة خوارزم متولد گردیده است و در دهم جمادی الاول سال ۶۱۸ هـ ق در حمله مغولان به اورگنج به شهادت رسید و خانقاه مخصوص خودش بخاک سپرده شد<sup>۳</sup>، گرچه حمدلله مستوفی مزارش را ناپیدا می داند<sup>۴</sup>. عموم مورخین او را ستوده اند از جمله تاج الدین سبکی، متوفی ۷۷۱ هـ ق، وی را شیخ خوارزم و امامی عالم و زاهد معرفتی کرده است<sup>۵</sup>، یافعی متوفی ۷۶۸ هـ ق، نجم الدین کبری را قدوة المحدثین و امام السالکین، و... خوانده است<sup>۶</sup>، کمال

۱- جواهر الاسرار و زواهر الانوار. تألیف کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی، سده نهم هـ ق: ۱۱۲/۱.

۲- طبقات الشافعیة الکبری. تألیف تاج الدین سبکی، عبدالوهاب بن علی متوفی ۷۷۱ هـ ق. قاهره، دار احیاء الکتب (۱۹۷۱م): ۲۵/۸.

۳- شدّرات الذهب فی اخبار من ذهب. تألیف ابن عماد، عبدالحی، متوفی ۱۰۸۹ ق. بیروت، دار احیاء التراث العربی (بی تا): ۸۰/۵.

۴- تاریخ گزیده. تألیف حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی، در سنه ۷۳۰ هـ ق. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ خورشیدی: ۶۶۹.

۵- طبقات الشافعیة: ۲۵/۸.

۶- مرآة الجنان و عبرة الیقظان... تألیف یافعی، محمد عبدالله بن اسعد متوفی ۷۶۸ هـ ق. حیدرآباد دکن، دائرة المعارف النظامیة، ۱۳۳۹ هـ ق: ۴۰/۴.

۷- جواهر الاسرار: ۱۱۲/۱. ۸- مرآة الجنان: ۴۱/۴.

حفده متوفی ۵۷۱ هـ ق و در مکه نزد ابو محمد طبایح و در اسنکدریه از محضر ابوطار سلفی متوفی ۵۷۶ هـ ق سماع حدیث کرده است و از آنها اجازت دریافت داشته است و به کتب و معارف صوفیه نیز تمایل پیدا می‌کند و ظاهراً در سال ۵۶۸ هـ ق رساله قشیریّه را از ابوالفضل محمد بن سلیمان همدانی سماع کرده است.<sup>۹</sup> در مصر به صحبت شیخ المشایخ روزبهان کبیر وزان مصری کازرونی الاصل رسید که روزبهان، ساکن مصر و از مریدان شیخ ابوالنجیب سهروردی بوده است و مدتی در محضر او به ریاضت اشتغال داشته تا این که ابواب فتوحات غیبی بر او گشاده می‌شود و سعادت انس با عالم قدس به او دست می‌دهد، و حالاتش در نظر شیخ پستندیده می‌آید و او را به فرزندی قبول می‌کند و شیخ روزبهان وی را به دامادی خود قبول میکند و نجم‌الدین کبری از آن دختر، دو پسر می‌آورد<sup>۱۰</sup> و سپس به خدمت بابا فرج تبریزی می‌رسد که از اولیای اخفای تبریز بوده است. شیخ نجم‌الدین کبری از تبریز عزیمت عراق به مصر می‌کند و با اشاره بابا فرج در ضمن سفر به نزد عمار یاسر بدلیسی، متوفی ۵۸۲ هـ ق شرفیاب می‌شود، عماره یاسر از خلفای ابوالنجیب سهروردی بود. شیخ عمار یاسر وی را نزد اسماعیل قصری فرستاد که از دست او خرقة گرفت<sup>۱۱</sup>. بنا به پیشنهاد شیخ خود به خوارزم باز می‌گردد و به نشر طریقت و ارشاد می‌پردازد و بعنوان یک شیخ بزرگ صوفی در خوارزم و خراسان چنان حیثیت و اعتباری برای تصوف بوجود آورد که مدتها مورد قبول و اعتقاد عامه و مرجع روحانی آنها شد. مؤلفین اسلامی او را در تصوف شاگرد سه استاد برجسته عصر دانسته‌اند اما شیخ شجره ارادت خویش را بخط شریف خود چنین نوشته است:

صحبت شیخنا الامام عمار بن یاسر وهو صحب الشيخ  
 ابا النجيب السهر وردى وهو صحبت الشيخ احمد الغزالي  
 وهو صحب الشيخ ابابكر النساج وهو صحب الشيخ ابالقاسم  
 الگرگاتى وهو صحب الشيخ اباعثمان المغربى وهو صحب  
 الشيخ اباعلي الكاتب وهو صحب الشيخ اباعلي الوردبارى  
 وهو صحب الجنيد وهو صحب السرى السقطى وهو صحب  
 المعروف الكرخى وهو صحب الداؤد الطايى وهو صحب  
 الحبيب العجمى وهو صحب الحسن البصرى وهو صحب  
 علي بن ابي طالب (ع) وهو صحب سيد المرسلين وخاتم  
 النبيين محمد المصطفى (ص).<sup>۱۲</sup>

شجره خرقة شیخ نجم‌الدین کبری بشرح زیر است:  
 او خرقة را از دست شیخ الشیوخ اسماعیل قصری،  
 او از محمد بن مانگ یل = مالکیل،  
 او از وراد بن محمد معروف به خادم الفقراء (و او از

داود از محمد خادم الفقراء)

او از ابوالعباس بن ادریس،  
 او از ابوالقاسم بن رمضان،  
 او از ابویعقوب طبری،  
 او از شیخ عبدالله بن محمد بن عثمان،  
 او از شیخ ابویعقوب نهر جودی،  
 او از ابویعقوب سوسی،  
 او از شیخ عبدالواحد بن زید،  
 او از تاج التابعین کمیل بن زیاد،  
 او از علی بن ابیطالب (ع).<sup>۱۳</sup>

شیخ نجم‌الدین کبری استاد عده‌ای کثیر از بزرگان  
 مشایخ ایران بوده است که هر یک از عالمان و اندیشمندان  
 و شاعران بزرگ بوده‌اند.

حمدالله مستوفی گوید: در مدت عمر دوازده کس را به  
 مریدی قبول کرده اما همه مشایخ کباراند<sup>۱۴</sup> و قاضی نورالله  
 شوشتری این امر را یکی از دلایل تشییع او به حساب  
 آورده<sup>۱۵</sup> از جمله مریدان و تربیت یافتگان مشهور شیخ  
 نجم‌الدین کبری عبارتند از:

- ۱- ابو سعید مجدالدین شرف بن مؤید بغدادی مقتول بسال  
 ۶۰۷ یا ۶۱۶ هـ ق که از بغداد به خوارزم مهاجرت کرده است.
- ۲- شیخ سعدالدین محمد بن مؤید حموی، متوفی  
 ۶۵۰ هـ ق که آثار متعددی از او به جای مانده است.
- ۳- شیخ سیف‌الدین باخرزی، متوفی ۶۵۸ هـ ق که در  
 بخارا پس از شیخ به تعلیم اشتغال داشته است.
- ۴- شیخ عین‌الزمان جمال‌الدین گیلی، متوفی ۶۵۱ هـ ق؛
- ۵- شیخ بابا کمال جندی؛
- ۶- شیخ نجم‌الدین رازی معروف به - دایه - مؤلف  
 مرصاد العباد، متوفی ۶۴۵ هـ ق؛
- ۷- شیخ بهاء‌الدین محمد معروف به بهاء ولد پدر  
 مولانا جلال‌الدین مولوی، متوفی ۶۲۸ هـ ق؛

۹- روضات الجنات فی الاحوال العلماء و السادات. تألیف میرزا محمد باقر  
 موسوی خوانساری، تهران، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ هـ ق: ۲۸۹/۱.

۱۰- صفحات الأئس من حضرات القدس. تألیف جامی،  
 عبدالرحمان بن احمد متوفی ۸۹۸ هـ ق. (تهران)، محمودی، (۱۳۳۷  
 هـ ق): ۱۹ و ۴۱۸.

۱۱- طریق الحقایق. تألیف نایب‌الصدر، محمد معصوم شیرازی  
 «معصوم علیشاه». تهران، سنایی (بی تا): ۳۳۵/۲.

۱۲- جواهر الأسرار: ۱۱۸/۱.

۱۳- طبقات اعلام الشیعة، الأنوار الساطعة فی المائة السابعة. تألیف  
 شیخ آغا بزرگ تهرانی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۷۲ م: ۱۰.

۱۴- تاریخ گزیده: ۶۶۹.

۱۵- مجالس المؤمنین. تألیف قاضی نورالله بن شریف مرعشی  
 شوشتری، چاپ سنگی، تهران ۱۲۹۹ هـ ق: ۲۸۶.

۸- شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، مقتول ۶۲۸ هـ ق؛  
۹- شیخ رضی الدین علی بن سعد جوینی لالای  
غزنوی، متوفی ۶۴۲ هـ ق؛

۱۰- شیخ بهاء الدین زکریا مولنانی، متوفی ۶۴۱ هـ ق. ۱۶

شرح حال هر یک از نامبردگان را معصوم علیشاه و  
جامی و دیگران نوشته‌اند. ۱۷

تواضع، حسن معاشرت، قدرت روحی، نفوذ کلمه،  
هوش سرشار و دانش بسیار نجم الدین کبری باعث شد تا  
بعدها او را بعنوان - پدر سلاسل فقر - لقب دهند، چون  
فرقه‌ای را تأسیس کرد که از او فرقه‌های متعددی در  
تصوف منشعب گردید و تصوف ایرانی پس از او بسیار  
وسعت یافت. او توانست با کمک شاگردانش در مقابل  
سلسلهٔ سهروردیه در مغرب، سلسلهٔ کبرویه را در مشرق  
پی‌ریزی کند و دامنهٔ تعلیماتش را از خراسان و ماوراءالنهر  
تا شام و آسیای صغیر گسترش دهد. ۱۸

### مذهب شیخ نجم الدین کبری:

تاج الدین سبکی، متوفی ۷۷۱ هـ ق بنقل از معین الدین  
محمد بن عبدالغنی بن نقطه حنبلی، متوفی ۶۱۹ هـ ق،  
مؤلف کتابی در انساب ۱۹ تصریح می‌کند که نجم الدین  
کبری شافعی مذهب بوده است. ۲۰ یاقوت حمومی،  
متوفی ۶۲۶ هـ ق که در حمله مغول در خوارزم بوده است  
و از آنجا بیرون رفته است می‌گوید: خَیوق به فتح اول و  
سکون دوم و فتح واو و آخرش - قاف - نام شهری است از  
نواحی خوارزم (جایگاه شیخ نجم الدین کبری) ساکنین این  
محل شافعی مذهب هستند، بخلاف دیگر شهرهای  
خوارزم که حنفی می‌باشد. ۲۱ لکن در رساله السایر الحایر،  
نجم الدین کبری می‌گوید: درود بی نهایت برخلاصهٔ  
موجودات و خواجه کاینات، محمد، رسول الله باد، و اهل  
بیت او، خاصه فرزندان و نبیرگان او ۲۲... خوانساری  
حکایتی را از نجم الدین کبری بنقل از شرح دیوان امیر  
المؤمنین علیه السلام، از قاضی کمال الدین میر حسین بن  
معین الدین حسینی میبندی، متوفی ۹۱۱ هـ ق آورده است  
که در خواب، رسول خدا (ص) را دیدیم که علی  
علیه السلام با او بود، من با علی (ع) مصافحه کردم  
بمقتضای حدیثی که رسول خدا (ص) فرموده است: «من  
صافح علیاً دخل الجنة...» ۲۳.

**\* شیخ آغا بزرگ تهرانی (ره) در  
طبقات اعلام الشیعه نام  
نجم الدین کبری را جزء رجال  
شیعه یاد کرده است.**

شیخ آغا بزرگ تهرانی (ره) در طبقات اعلام الشیعه نام  
نجم الدین کبری را جزء رجال شیعه یاد کرده است چنانکه  
گذشت بنقل حمدالله مستوفی که نجم الدین کبری در مدت  
عمر دوازده کس را به مریدی قبول کرده است و قاضی  
نورالله شوشتری این امر را یکی از دلایل تشیع او به  
حساب آورده است و گوید که: چون پیران حقیقی او  
منحصر در دوازده امام بودند لذا در جانب مریدان نیز  
رعایت عدد پیران نموده... و در مدت عمر دوازده مرید  
بیش قبول نکرد ۲۴. همچنین نجم الدین کبری، پیشوای  
زمان در مقاومت و نبرد علیه مغولان بود و کشته شدن او  
به دست مغولان در سال ۶۱۸ هـ ق و عطار نیشابوری در  
سال ۶۲۷ هـ ق و تخریب حرم امام رضا (ع)، امام هشتم  
شیعیان به دست همین مغولان در سال ۶۱۷ هـ ق مسألهٔ  
رویاری شیعیان و تسنن افراطی را تداعی می‌کند، یکی از  
سلسله‌های فتیان که سند خود را از طریق نجم الدین کبری  
به جنید و از او به معروف کرخی و از طریق علی بن  
موسی الرضا (ع) به پیغمبر پیوند یافته است، و از جملهٔ  
آداب فتوت مقرر است حلوانی که با آتش تهیه نشده  
باشد، صرف کنند، چنین حلوانی پس از اجتماع غدیر خم،  
میان مردم توزیع گردیده است. ۲۵ و نیز شجرهٔ ارادت  
خویش را شیخ نجم الدین به حضرت علی بن  
ابی طالب (ع) می‌رساند، همچنین شجرهٔ خرقة او به  
حضرت علی بن ابی طالب (ع) می‌رسد ۲۶. و پیوند تصوف  
کبرویه با تشیع، و وجود تعدادی از شیعهٔ خراسان و  
ماوراء النهر در بین مریدان شیخ نجم الدین کبری ۲۷، و

- ۱۶- ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب. تألیف  
محمد علی مدرّس. تبریز، شفق: ۱۳۳۶/۶. #روضات الجنات: ۲۹۷/۱.
- ۱۷- طریق الحقایق: ۳۳۶/۲ به بعد. # نفحات الانس: ۴۲۴ به بعد.
- ۱۸- رساله الی الهام الخائف من لومة اللائم. تألیف نجم الدین  
کبری. مقدمه دکتر توفیق سبحانی، تهران، سازمان انتشارات کیهان،  
۱۳۶۴ خورشیدی: دوازده.
- ۱۹- ریحانة الادب: ۲۵۵/۸.
- ۲۰- طبقات الشافعية الكبرى: ۲۵/۸.
- ۲۱- معجم البلدان. تألیف یاقوت بن عبدالله حَمَوِی رومی بغدادی  
بیروت، دار صادر، (بی تا): ۴۱۵/۲.
- ۲۲- رساله السایر الحایر. تألیف نجم الدین کبری. تهران، زوار،  
۱۳۶۱ خورشیدی: ۱۷.
- ۲۳- روضات الجنات: ۲۹۷/۱.
- ۲۴- مجالس المؤمنین: ۲۸۶.
- ۲۵- تشیع و تصوف تا آغا سدهٔ دوازدهم هجری. تألیف دکتر کامل  
مصطفی شیبی، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران، امیرکبیر،  
۱۳۵۹ خورشیدی: ۳۴۹ و ۳۲۹ و ۸۱.
- ۲۶- جواهر الأسرار: ۱۱۸/۱. # طریق الحقایق: ۳۳۵/۲.
- ۲۷- دنباله جستجو در تصوف ایران، تألیف دکتر عبدالحسین  
زربین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ خورشیدی: ۸۹- ۸۸.

نقل عطار نیشابوری از سلسله پیر خود در کتاب مظهرالعجائب اگر صحت انتساب این اثر را به عطار صحیح بدانیم؟ درباره نجم الدین گوید:  
آن معلم بسود وارث در علوم

حکمت لقمان نموده در نجوم  
در علوم جعفر او پی برده بود  
پی به اسرار نهانی برده بود  
داشت او یک سلسله کان را ذهب

خاص اهل البیت گویند ای عجب...<sup>۲۸</sup>  
و شواهدی دیگر است که نمادهای تشیع شیخ نجم الدین کبری را جلوه گر می‌سازد، مگر این که تمایلات شیعی را در میان شافعی مذهبیان بتوان تا حدودی جستجو کرد.

#### آثار نجم الدین کبری:

او تصوف را نکو دانسته بود  
او زغیریت تمامی رسته بود  
در تصوف او بسی دُر سفته بود

سی کتاب اندر تصوف گفته بود<sup>۲۹</sup>

دکتر توفیق سبحانی نام سی و دو اثر از آثار شیخ نجم‌الدین کبری را یاد می‌کند با نسخه‌های خطی موجود از آن<sup>۳۰</sup>. بیشتر مؤلفین اسلامی بهنگام بیان احوال نجم‌الدین کبری، آثار او را نیز ذکر کرده‌اند از جمله حاجی خلیفه<sup>۳۱</sup> و اسماعیل پاشا بغدادی<sup>۳۲</sup> نام هفت اثر از آثار نجم‌الدین کبری را یاد کرده است، لکن آقای دکتر اسدالله خاوری تحلیل شایسته‌ای از آثار شیخ کرده و نسخه‌های خطی آنها را در کتابخانه‌های ترکیه نشانه داده است و کلاً چهار رساله فارسی بنامهای:

۱- آداب المریدین

۲- رساله السائر الحائر الی السائر الواحد الماجد.

۳- کتاب سکینه الصالحین

۴- رساله وصول الی الله

و هفت اثر بزبان عربی را بنامهای:

۱- فوائح الجمال و فواتح الجلال

۲- تفسیر عین الحیاة = تفسیر کبری

۳- رساله الاصول العشرة = معشره

۴- بدون عنوان

۵- رساله الی الهائم الخائف من لومة اللائم

۶- رساله السلوک

۷- هم العالیة

و چهار رساله دیگر را منسوب به شیخ کبری می‌داند:

۱- شرح بعضی ما اعطانی الله من نعمة الفقر

۲- رساله در ریاضت نفس

۳- رساله ذکر مذکور

#### ۴- هدایة الطالبین<sup>۳۳</sup>

در خاتمه به چند نسخه خطی دیگر از آثار شیخ نجم‌الدین کبری که نگارنده این سطور از وجود آنها آگاهی یافته است اشاره می‌شود:

۱- آداب الصوفیه؛ نسخه ضمیمه مجموعه شماره ۱۲۰۱۳/۵ مجلس شورای اسلامی.

۲- اقرب الطرق؛ نسخه ضمیمه شماره ۱۳۰۰۷ رضوی. نسخه ضمیمه شماره ۸۸۷/۴ الهیات مشهد.

نسخه شماره ۳۵۳۶ رضوی.

نسخه شماره ۶۳۱۳ رضوی = ترجمه...

نسخه شماره ۷۰۳۶ م آیه الله مرعشی در قم.

نسخه شماره ۷۴۱۰ م آیه الله مرعشی تحریر ۱۰۴۴ هـ

۳- تفسیر نجم‌الدین کبری (عین الحیات)؛ نسخه

شماره ۶۹۵۷ رضوی.

۴- رساله السفینه (سکینه الصالحین؟)؛ نسخه مجلس

شورای اسلامی شماره ۱۲۰۰۶/۵.

۵- منهاج السالکین و معراج الطالبین؛ نسخه شماره

۵۴۹/۵ آیه الله خامنه‌ای به کتابخانه رضوی.

۶- نصایح شیخ نجم‌الدین؛ نسخه شماره ۲۳۰۵/۱

مجلس شورای اسلامی.

۷- هدایة الطالبین؛ نسخه شماره ۲۳۰۵/۱ کتابخانه

گنج‌بخش پاکستان.

#### اشعار شیخ نجم‌الدین کبری؛ رباعیات...

شیخ نجم‌الدین کبری، مانند غالب مشایخ بزرگ دارای

اشعاری با مذاق عرفانی بوده است که رضاقلی خان

هدایت تعداد سیزده رباعی از نجم‌الدین کبری را نقل کرده

است<sup>۳۴</sup>. و برتلس حدود بیست و پنج رباعی از

سروده‌های نجم‌الدین کبری را آورده است که برخی از آنها

به دیگران نیز نسبت داده شده است<sup>۳۵</sup>. در ریحانة الادب و

۲۸- مظهر العجائب و مظهر الاسرار. از فریدالدین محمد بن ابراهیم

عطار نیشابوری. تهران، سنایی، ۱۳۴۵ خورشیدی: ۲۳.

۲۹- همان مدرک.

۳۰- الی الهائم الخائف من لومة اللائم: صفحه سیزده به بعد.

۳۱- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون. تألیف حاجی خلیفه،

مصطفی بن عبدالله. بغداد، مکتبة المنثی: ۷۸۶/۱ و ۹۰۰ و ۱۱۸۱/۲

و ۱۲۹۲ و ۲۰۳۱...

۳۲- هدایة العارفين، اسماء المؤلفین و آثار الدصنفین. تألیف

اسماعیل پاشا بغدادی. افسس تهران، جعفری، ۱۳۷۸ هـ ق: ۹۰/۱.

۳۳- ذهبیه، تصوف علمی - آثار ادبی، از دکتر اسدالله خاوری،

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ خورشیدی: ۴۶۵/۱ - ۴۵۴.

۳۴- ریاض العارفين. از رضا قلی خان هدایت افسس تهران، وصال

(۱۳۰۵ هـ ق): ۱۴۵.

۳۵- تصوف و ادبیات تصوف. تألیف یوگنی ادوارد ویج برتلس،

ترجمه سیروس ایزدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ خورشیدی: ۴۳۹ -

**\* یکی از ارکان طریقت شیخ  
نجم‌الدین کبری - نظریه او در باب  
ولایت است .**

ولی متّصف نموده است آنجا که فرماید: «هو المولی الحمید»<sup>۴۵</sup> و این نامه باقی است و بریندگان خدای نیز در دنیا و آخرت جاری می‌باشد<sup>۴۶</sup>.

یکی از ارکان طریقت شیخ نجم‌الدین کبری - نظریه او در باب ولایت است و ما بقدر میسر از آن سخن خواهیم گفت:

**لزوم و ضرورت وجود ولی**

در بیان احتیاج خلق به - ولی - که معلم و مرشد او باشد دلائل عقلی و نقلی متعدّدی اقامه شده است؛ ابتدا به ادّله نقلیه در اینباب اشاره می‌شود:

در قرآن کریم آیاتی هست که تصریحاً یا تلویحاً بر این امر دلالت دارد: از جمله «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم»<sup>۴۷</sup>.

و آیه: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین»<sup>۴۸</sup>.

و آیه: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی بحببکم الله»<sup>۴۹</sup> و آیه: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة وجاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون»<sup>۵۰</sup> و مثل آیاتی که بسیاری انبیاء علیهم السلام در آغاز دعوت به قوم خود

ریاض العارفین و روضات الجناب، سه رباعی دیگر به شیخ نجم‌الدین کبری نسبت داده شده است. بنابراین آنچه از اشعار او دیده شده است سی و هشت بیت است. لکن در تذکره اقطاب اویسی تعداد هشتاد و یک بیت از اشعار نجم‌الدین کبری را آورده است که شامل سی و نه رباعی و سه مفردات منسوب به او<sup>۳۶</sup>.

**ولایت و ولی در عرفان نجم‌الدین کبری**

پس به هر دوری ولی قائم است

تا قیامت، آزمایش دائم است

یکی از مسایل مهم تصوّف، مسئله ولایت است که گویند ملهم از کتاب و سنت می‌باشد، هُجویری متوفی ۴۶۵ هـ فرماید:

جمله مشایخ اندر حکم اثبات ولایت موافق اند... ولایت ربوبیت بود و از آن است که خداوند تعالی گفت: هنا لك الولاية لله الحق<sup>۳۷</sup>... اما ولی روا باشد که فعلیل بود بمعنی مفعول چنان که خداوند تعالی گفت: «وهو يتولى الصالحين»<sup>۳۸</sup>... «وانّ الکافرین لامولی لهم»<sup>۳۹</sup> ای لاناصر لهم، چون کفار را ناصر نبود لا محاله مؤمنان را ناصر بود که نصرت کند و عقول ایشان اندر استدلال آیات و بیان معانی دل‌های ایشان و کشف پراهین بر اسرار ایشان و نصرت کنند ایشان را بر مخالفت نفس و هوا و شیطان...<sup>۴۰</sup>

همچنین آیه کریمه: «الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون»<sup>۴۱</sup> و آیه مبارکه: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور»<sup>۴۲</sup>. و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لقد اسرى بی فأوحی الله الی... یا محمد من أذی لی ولیا ارصدنی بالمحاربة...»<sup>۴۳</sup> و در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل و از او خدای تعالی روایت کند که فرمود: «اولیائی تحت قبایب [قبائی] لا یعرفهم غیری الا اولیائی»<sup>۴۴</sup>.

بر این اساس که اغلب صوفیه بویژه بعد از ابن عربی بر اهمیت مقام اولیا تاکید می‌کنند و گویند چون اولیا مستغرق در خالق هستند، قوای روحانی تازه‌ای می‌یابند تا سواحل انسانی کره خاکی را شستشو نمایند و بدین منظور پیوسته به همنشین با اولیا توصیه می‌کنند، زیرا راه پر مخاطره‌ای در پیش است و این راه برای سالک، خطر گمراهی دارد، لذا بسیاری از فرق صوفیه عقیده دارند که ولی لازم است تا سالک را در طلب و طریقت هدایت کند، و این امر در همه ادوار ادامه دارد. ابن عربی گوید: چون ولایت عبارت است از فلک محیط عام، لذا هیچگاه انقطاع نپذیرد... خدای سبحان در کتاب عزیزش خویش را نه بنام رسول نامیده است و نه تبی، لکن خود را به اسم

۴۳۶

۳۶- تذکره اقطاب اویسی. تألیف جمال‌الدین شیخ محمد قادر باقری نمینی. تهران، تابش، (بی تا): جلد سوم: ۲۳۰ - ۲۲۴.

۳۷- آیه ۴۴ سوره کهف. ۳۸- آیه ۱۹۶ سوره اعراف.

۳۹- آیه ۱۱ سوره محمد (ص).

۴۰- کشف المحجوب. تصنیف ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی، متوفی ۴۶۵ هـ ق. تهران، طهوری، ۱۳۵۸ خورشیدی: ۲۶۶ و ۲۶۵.

۴۱- آیه ۶۲ سوره بونس. ۴۲- آیه ۲۵۷ سوره بقره.

۴۳- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. تألیف علامه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، متوفی ۱۱۱۱ هـ ق. بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق: ۱۴۶/۷۵.

۴۴- مرصاد العباد من المبدء الی المعاد به تألیف نجم‌الدین رازی، ابوبکر بن محمد معروف به دایه. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ خورشیدی: ۲۲۶. # کشف المحجوب: ۷۰. # تفسیر کشف الاسرار میدی: ۴۰۶/۴.

۴۵- آیه ۲۸ سوره شوری.

۴۶- فصوص الحکم. تألیف ابن عربی، متوفی ۶۳۸ هـ ق. بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ هـ ق: ۱۳۵ - ۱۳۴.

۴۷- آیه ۵۹ سوره نساء. ۴۸- آیه ۱۱۹ سوره توبه.

۴۹- آیه ۳۱ آل عمران. ۵۰- آیه ۳۵ سوره مائده.

می‌گفتند: اتقوا الله واطيعون<sup>۵۱</sup>.

همة اینها دلالت دارد بر احتیاج خلق به ولی و وجوب رجوع مردم به وی. علاوه بر قرآن کریم، احادیث بسیاری در اینباب وارد شده است که ذکر آنها را حوصله این مقاله بیرون است. رجوع به کتاب الحجة از اصول کافی باب نیاز به امام و ولی امر، و این که حجّت الهی تمام نشود بر خلق مگر به امام زنده ای که شناخته شود، زمین بدون حجّت نیست و... مراجعه به کتاب سلطان علیشاه ما را از تفصیل بیشتر در این خصوص بی نیاز می‌سازد<sup>۵۲</sup>. اما ادله عقلیه بر لزوم احتیاج به ولی نیز بسیار است، تنها مؤلف کتاب ولایتنامه، بالغ بر ده برهان عقلی آورده است.

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم

که گمشد آنکه در این ره به رهبری نرسید  
آراء و افکار شیخ نجم‌الدین کبری مؤسس فرقه کبرویه را می‌توان در آثارش جستجو کرد، عقیده شیخ در باب ولی بشرح زیر است:

یکی از کتابهایی که در شناخت طریقت عرفانی شیخ نجم‌الدین کبری بسیار مهم است و در میان آثار صوفیه از برجستگی خاصی برخوردار است کتاب فوائح الجمال و فوائح الجلال است به نثر عربی که خوشبختانه این کتاب برای اولین بار در آلمان چاپ و منتشر شده است. این کتاب شامل مباحث عالی، عرفانی و متضمن حلّ معضلات مراتب سیر و سلو می‌باشد، شیخ در فاتحه پنجم می‌فرماید: سالک طالب که راه و رسم منزل‌ها را نمی‌شناسد همچون کودکی است که به حدّ تمیز نرسیده و سود و زیان خویش را نمی‌داند و نیاز به ولی یا وصی یا قاضی و یا سلطان دارد تا ولایت امور او نماید و در کارهایش وی را ارشاد نماید.

رسیدن به ثمرات مجاهده برای سالک غیر ممکن است مگر به کمک ولی

چنان که گفتیم مسأله ولایت و ولی از ارکان عمده طریقت شیخ نجم‌الدین کبری است، او در رساله موجز و مختصر خود بنام: الاصول العشرة که بنام دیگری نیز مشهور است از جمله: رساله در بیان طریقت شطّار، رساله الطرق، رساله الطالب الحق، اقرب الطرق الی الله و رساله طریقت نامه نیز خوانده می‌شود. با وجود ایجاز و اجمال، پر مطلب است و در تقریر مذهب شیخ، حکم کتاب مفصلی را دارد چنین گوید:

اصل پنجم از اصول دهگانه - عزلت - است، و عزلت بیرون آمدن است از آمیزش خلق به اختیار، و بریدن از ایشان، چنان که به موت، مگر از خدمت شیخی که به حق رسیده باشد و مرّبی او باشد. و چنین شیخی

همچون غَسّال میّت است. پس سزاوار آن است که شخص پیش او همچون مرده باشد پیش غَسّال، تا که تصوّف کند در او، چنان که خواهد.

و این تصوّف از برای این است که بشوید او را به آب ولایت از لوّث حوادث و او جنابت بیگانگی، یعنی آنچه از ازدواج روح به نفس پیدا شده و مانع شهود دائمی گشته که معیّر به صلات دائمی است<sup>۵۳</sup>.

شیخ نجم‌الدین کبری معتقد است که بدون ولایت و تصوّف کردن ولی در وجود سالک رسیدن به ثمره مجاهده برای او بسیار دشوار بلکه غیر ممکن است، چون سالک، در طی مجاهده خویش هر اندازه که تحت ارشاد و هدایت شیخ از وجود حاکی، آبی، ناری و هوایی خویش چیزی را از دست دهد، بیشتر شاهد و ناظر مکاشفات و مشاهدات خواهد شد و هر چه رهایی کلی و نهایی وی از وجود ترابی، مائی، ناری و هوایی خویش جز با موت کبیر حاصل نشود، اما موت اختیاری که از ریاضت حاصل می‌شود و وی را بقدر ممکن از بعضی تبعات اجزاء عناصر رهایی می‌بخشد سبب می‌گردد که وی هر زمان در مدارج سلوک، انوار و عالم تازه‌ای کشف کند که حاکی از احوال روحانی او در مراحل سیز خواهد بود. فی المثل وقتی برای وی این واقعه دست دهد که گویی دریایی هست و انسان که در آن مستغرق گشته است، از آن عبور می‌کند نشان آن است که - بخش آبی - وجود در حال فانی شدن است. یا اگر چنان مشاهده کند که گویی آتشی هست و او از آن بیرون می‌آید، این مشاهده، حاکی است از فضای آن بهره آتش که در وجود او هست. وقتی نیز هست که سالک پیش روی، فضایی گشاده مشاهده می‌کند که فراز آن هوایی است صاف و در آنجا که نظر به پایان می‌رسد رنگها می‌بیند چون سبزی، سرخی، زردی و کبودی. این مشاهده حاکی است از آن که وی از این هوا که رکنی از ارکان وجود جسمانی اوست، عبور خواهد کرد و به آن الوان، که رموز و نشان‌ها است خواهد پیوست، این الوان در واقع الوان احوال است... و حاکی از اطوار قلب و مکاشفات خلوت است که در طریقت کبرویه اهمیت خاص پیدا می‌کند. البته نقش شیخ هم در کمک به

۵۱- آیه ۵۰، سوره آل عمران و آیه ۱۰۸ و ۱۱۰ و ۱۲۶ و ۱۳۱ و ۱۴۴ و ۱۵۰ و ۱۶۳ و ۱۷۹، سوره شعراء و آیه ۶۳، سوره زخرف و آیه ۳، سوره نوح.

۵۲- ولایتنامه. تألیف سلطان محمد گناباد، سلطان علیشاه. تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ خورشیدی: ۲۴۴ تا آخر.

۵۳- الاصول العشرة. تألیف شیخ نجم‌الدین کبری، ترجمه و شرح عبدالغفور لاری، تهران، مولی، ۱۳۶۳ خورشیدی: ۱۴ و ۵۲ و ۵۳.

شناخت این انوار و اطوار برای سالک فوق العاده مهم است و شیخ بهمین سبب برای سالک مقام ولایت دارد. ولایت شیخ در نزد نجم‌الدین کبری، مبنی است بر ضرورت ارشاد و نگهداری سالک از خطا، که خود وی برای آن کفایت و رشد لازم را ندارد.<sup>۵۴</sup>

### ولی کیست و نشان آن چیست؟

خواجه عبدالله انصاری میدان هفتاد و هشتم از صد میدان را - میدان ولایت - می‌داند و گوید: از میدان حقیقت، میدان ولایت زاید، ایشان که اهل این خلقت اند - اولیا- اند و اوتاد در میان ایشان، قوله تعالی: «الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون».<sup>۵۵</sup>

اولیا را سه نشان است: سلامت دل، سخاوت تن و

نصیحت خلق. سلامت دل رستگاری است از سه چیز: گله از حق و جنگ با خلق و پسند خود. و سخاوت تن را سه نشان است: دست به داشتن آنچه خودخواهی و به دل باز شدن از آنچه خلق در آند، منتظر نبودن چیزی را از دنیا پیشی.

و نصیحت خلق را سه نشان است: نیکوکاران را یاری دادن، و بر بسدکاران ببخشودن، و همه خلق را نیک خواستن، این اخلاق اولیا است.

اصل این نیکودلی است و جواتمردی و کم آزاری.<sup>۵۶</sup> شیخ نجم‌الدین کبری عقیده دارد که ولی صاحب اسم اعظم است. وقتی بدرجه ولایت می‌رسد که از مرحله تلوین و تمکین گذشته باشد و بدرجه تکوین رسیده باشد، یعنی هنگامی که از مشاهده صور و معانی عبور کرده باشد و به فنای از معانی در معنی المعانی و اصل شده باشد آن وقت است که صاحب مقام ولایت می‌شود که بمنزله وصول به عین‌الیقین است که این منزل پس از عبور از مقام علم‌الیقین و حق‌الیقین است.<sup>۵۷</sup>

شیخ نجم‌الدین کبری در رساله السائر الحائر الواجد الی السائر الواحد الماجد که موضوع آن شرایط و احکام طهارت ظاهر و باطن از لوث آغشتگیها و مهلکات اخلاقی می‌باشد که با رعایت این شرائط، سالکان وادی عرفان و جویندگان حقیقت را به منزل وصل می‌رساند. او وصول به سدره المنتهای معارف الهی و قاب قوسین بقاء بعد النقاء را به ده شرط معلق کرده است که شرط هشتم آن: اختیار صحبت صالحان و هجران از اخوان، سوء است. نجم‌الدین کبری می‌گوید که: شیخ از این صالحان باشد، و قال تعالی: «یا ایها الذین آمنوا القتوا الله وکونوا مع

الصادقین»<sup>۵۸</sup>... و شرط شیخیت آن باشد که شیخ عالم باشد به کتاب خدای تعالی و سنت رسول (ص)، و با این همه صاحب مجاهدت و مشاهدت بود و صاحب فراست بود و صاحب همت و تصرف بود. قال الله تعالی: «قل هذه سبیلی ادعو الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»<sup>۵۹</sup> و شیخ قلاؤز<sup>۶۰</sup> راه حق باشد. مخاوف و مفاسد و مهالک راه داند و صواب از ناصواب شناسد، و در میان خواطر، تمییز و تفسیر واقعات درویشان را صاحب دیده و ماهر بود. و واقعه کاری بود به یک درجه بلندتر از خواب، زیرا که خواب هم مشاهده بود و لکن عوام را باشد و بتعبیر حاجت آید، زیرا که عوام را مصوره و مخیله قوی افتاده باشد، صاحب صورت و خیال باشند و غلط<sup>۶۱</sup> حجاب ایشان را نگذارد که معانی بیصورت و خیال ادراک کنند و این علامت رهروان است که ایشان به واسطه مجاهدت آن سبیل از پیش دیده دل دور کرده باشند، معانی را بیصورتها و خیال ادراک کنند، آنگاه دیگر مجاهدت کنند تا مخیله و مصوره را ضعیف کنند، برهان آن مضمحل شود، صورت و خیال از میان

**\* شیخ نجم‌الدین کبری عقیده دارد که ولی صاحب اسم اعظم است. وقتی بدرجه ولایت می‌رسد که از مرحله تلوین و تمکین گذشته باشد و بدرجه تکوین رسیده باشد.**

برخیز<sup>۶۲</sup>.

شیخ نجم‌الدین کبری، شرایط ولی را ضمن آداب خرقه پوشیدن نیز بیان می‌دارد و اولیای حق را از اولیای باطل مشخص می‌سازد: هر که را ارادت این کار پدید آید و خواهد که خرقه پوشد، باید که از دست پیری پوشد که او را هم شریعت باشد و هم طریقت و هم حقیقت. علام بود به اصول شریعت و عارف به آداب طریقت و واقف بود بر اسرار حقیقت، تا چون مرید را در شریعت اشکالی افتد، به علم خویش بیان کند و چون در طریقت واقعه‌ای روی نماید به معرفت روشن کند و چون در حقیقت سری پیدا شود به بصیرت خویش سر آن باز نماید...<sup>۶۳</sup>

۵۴- فوایح الجمال. ۵۵- آیه ۶۲ سوره یونس.

۵۶- مجموعه رسایل فارسی خواجه عبدالله انصاری، رساله دوم - صدمیدان - تهران، توس، ۱۳۷۲ خورشیدی: ۳۱۷ و ۳۱۸.

۵۷- فوایح الجمال. ۵۸- آیه ۱۱۹ سوره توبه.

۵۹- آیه ۱۰۸ سوره یوسف.

۶۰- قلاؤز: راهبر، بلد، دلیل راه. آندراج.

۶۱- غلط: اسم مصدر است به معنی: درشتی، ضخامت.

۶۲- السایر الحایر... تألیف شیخ نجم‌الدین کبری. تهران، زوار،

۱۳۶۱ خورشیدی: ۳۷ و ۳۸ و ۳۹.

۶۳- آداب الصوفیه. تألیف شیخ نجم‌الدین کبری. تهران، زوار،

۱۳۶۲، خورشیدی: ۲۷.

این بود خلاصه‌ای از آراء نجم‌الدین کبری در باب ولایت و ولی هم اکنون مناسب است در این زمینه به عقائد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی اشاره‌ای شود چون مقرب حضرت قیومی، مولانا جلال‌الدین رومی هم از جهت والد شریف و هم از جهت شیخ‌الدین تبریزی متصل به حضرت قلب الاقطاب نجم‌الدین کبری است.<sup>۶۴</sup>

### جان اولیا

مولوی همچون شیخ و ولی خویش معتقد است که اولیا بر اثر استغراق در خالق، دارای قوای روحانی و روح تازه‌ای هستند چنانکه مولای متقیان امیرمؤمنان علیه‌السلام خطاب به کمیل، نفوس را به پنج قسم تقسیم و بیان فرموده، آن یکی که روح حیوانی است و عبارت از بخارات لطیفه خون قلب است، مشترک میان تمام افراد انسانی و حیوان، اما نفس قدسیه کلیه الهیه و روح ایمان، مختص ولی و نبی است، و نفس ناطقه قدسیه را روح و حی هم لقب داده‌اند که در حیوانات و سایر ناس، این دو روح یافت نمی‌شود، و اتحاد میان جانهای انبیا و اولیا در این دو روح است نه در روح حیوانی که فرموده:

جان‌گراگان و سگان از هم جداست.<sup>۶۵</sup>

این جان اولیا همچون آب پاک، وظیفه شستشوی سواحل انسانی کره خاکی را انجام می‌دهند. آب، نمونه‌ای از روح مقدس است که چون بر اثر تماس با گناه انسانی، ناپاک می‌شود ولی پس از صعود و خروج از کثافات، پاکی‌اش تجدید می‌گردد.<sup>۶۶</sup>

آب، بهر این ببارید، از سماک

تا پلیدان را کنند از خبیث پاک

آب چون پیکار کرد و شد نجس

تا چنان شد، کآب دارد کرد حس

حق ببردش باز در بحر صواب

تا بشستش از کرم، آن آب آب

من نجس زینجا شدم، پاک آمدم

بستم خلعت، سوی خاک آمدم

خود غرض زین آب، جان اولیاست

کوخسول تیرگیهای شماست

چون شود تیره، زغدر اهل فرش

بازگردد سوی پاکبخش عرش

ضرورت وجود ولی برای سالک:

مولانا همچون نجم‌الدین کبری معتقد است که طریقت راه پرخطر است و آن را بی کمک قلاوز و رهبر نمی‌توان طی کرد. پس ولی که بر اسرار طریق واقف است وجودش عین راه را دارد و البته از دنبال کردن او که لازمه‌اش تسلیم شدن به ولایت و رهبری اوست نباید سرپیچید.

برنویس احوال پسر راه‌دان

پسیر را بگزین و عین راه دان...

پس رهی را که ندیدیستی تو هیچ

هین مرو تنها ز رهبر سر میچ...

گفت پیغمبر علی را کای علی

شیر حقی پهلوانی پر دل...

تو تقرب جو به عقل و سر خویش

نی چو ایشان بر کمال و سر خویش...

تو برو در سایه عاقل گریز

تا رهی زآن دشمن پنهان ستیز...

دست پیر از غایبان کوتاه نیست

دست او جز قبضه الله نیست<sup>۶۷</sup>

### موت اختیاری

مولوی همچون شیخ نجم‌الدین بنای سیر الی الله بر -

موت اختیاری - است، نجم‌الدین کبری گوید: این راه که اختیار

کرده‌ایم بنای آن بر موت اختیاری است، چنانکه در حدیث

به آن اشارت است که فرموده: موتوا قبل ان تموتوا.<sup>۶۸</sup>

پیداست که این همان مرگ از صفات بشری است که

مولوی هم در مثنوی به آن اشاره کرده است و این موت

اختیاری را که رهایی از خودی و در واقع نفی آن است،

شرط نیل به کمال می‌باشد و آخرین پله‌ای می‌باشد که با

آن می‌توان به بام بقای بعدالفنا بر آمد. مولوی در جای

دیگر، مرگ پیش از مرگ را مایه ایمنی از عذاب می‌خواند:

بی حجابت باید آن ای ذولباب

مرگ را بگزین و بر در آن حجاب

نه چنان مرگی که در گوری روی

مرگ تبدیلی که در نوری روی...<sup>۶۹</sup>

این بود بخشی از آراء خاصه نجم‌الدین کبری و مولوی در

خصوص ولایت و ولی، که امید است فرصتی دست دهد

و بتوان این بحث را تکمیل کنم.

\* \* \*

۶۴- جواهر الأسرار: ۱۳۲.

۶۵- ره آورد معنوی، شرح ابیات و حکایات و مطالب مشکله مثنوی مولوی، از حاج میرزامحسن عماد حالی، تهران، عطایی

(بی‌تا): ۱۱۰.

۶۶- مقدمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، از رانلد لن نیکلسون، ترجمه و تحقیق اوانس اوانسیان، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ خورشیدی: ۱۲۴.

۶۷- کلیات مثنوی معنوی، از مولوی بلخی، تهران، جاویدان، ۱۳۴۲ خورشیدی: دفتر اول، ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ - در صفت پیر و مطاوعت کردن با او.

۶۸- الاصول العشره، تألیف شیخ نجم‌الدین کبری: ۳۷.

۶۹- مثنوی معنی، از مولوی بلخی، تهران، انتشارات مولی، (۱۳۶۲ خورشیدی): دفتر ۳/۳۱۵.